

زينب كبرى سلام الله عليها

<?xml encoding="UTF-8">

السلام عليك يا زينب كبرى، السلام عليك يا بنت رسول الله، السلام عليك يا بنت اميرالمؤمنين (سلام الله) اي فروغ تابنده كوثر! اي پرستار شهادت! تو بانوي فصاحتي و اعجاز. نطق آتشين تو قلب سنگي كوفيان را ذوب كرد، اشك از چشمان آنها به راه انداخت و به سینه هاي كويري شان گسيل داشت. تو فرزند كوثر! تو جرعه ناب كوثر! نامت همیشه درس آموز عزت و يادت همراه الهام بخش شرف و مردانگي باد.

حضرت زينب كبرى عليها السلام در روز پنجم جمادى الاولى سال پنجم يا ششم هجرى قمرى در شهر مدينه منوره متولد گرديده و جهان را به قدوم خويش مزين فرمودند.

نام مبارك آن بزرگوار زينب، و كنيه گراميشان ام الحسن و ام كلثوم و القاب آن حضرت عبارتند از: صديقه الصغرى، عصمة الصغرى، ولية الله العظمى، ناموس الكبرى، شريكة الحسين عليها السلام و عالمه غير معلّمه، فاضله، كامله و ... پدر بزرگوار آن حضرت، اولين پيشواى شيعة حضرت اميرالمؤمنين على بن ابيطالب عليهما السلام، و مادر گرامى آن بزرگوار، حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها مي باشد.

در آن زمان كه صديقه كبرى (عليها السلام) به اين گوهر دريائي عصمت و طهارت باردار بود، پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) در مدينه حضور نداشتند و به سفرى رهسپار بودند. هنگامى كه وجود مقدس زينب كبرى (سلام الله عليها) متولد گشت، صديقه طاهره (عليها السلام) به اميرالمؤمنين (عليه السلام) فرمود كه چون پدرم در سفر است و در مدينه حضور ندارد، شما اين دختر را نام بگذاريد. آن حضرت فرمود: من بر پدر شما سبقت نمي گيرم، صبر نما كه به اين زودي رسول خدا باز خواهد گشت و هر نامى كه صلاح داند بر اين كودك مي نهد.

هنگامى كه سه روز گذشت، رسول خدا (صلي الله عليه و آله) مراجعت نمود و و همانگونه كه رسم و سيره رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) بود، نخست، به منزل حضرت زهرا (عليها سلام) وارد گشتند.

امام علي (عليه السلام) خدمت آن حضرت عرض كرد: يا رسول الله! خداوند متعال دختری به دخترت عطا فرموده است، نامش را معين فرماييد. فرمود: اگر چه فرزندان فاطمه اولاد من مي باشند، لكن امر ايشان با پروردگار عالم است و من منتظر وحى ميباشم. در اين حال جبرييل نازل شد عرض كرد: يا رسول الله! حق تو را سلام مي رساند و مي فرمايد: نام اين مولود را " زينب " بگذار، چرا كه اين را در لوح محفوظ نوشته ايم.

رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) قنடைه آن مولود گرامى را طلبيد و به سینه چسبانيد، ببوسيد و نامش را زينب نهاد و فرمود: به حاضرين و غايبين امت، وصيت مي نمايم كه حرمت اين دختر را پاس بدارند. همانا كه او به خديجه كبرى (عليها سلام) شبیه است.

هوش و ذكاوت:

صاحب كتاب اساور من ذهب درباره حافظه و ذكاوت آن بانوى بزرگوار چنين مي نويسد:

در اهميت هوش و ذكاوت آن بانوى بزرگوار همين بس كه خطبه طولانى و بلندی را كه حضرت صديقه كبرى فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه عليها در دفاع از حق اميرالمؤمنين عليها السلام و غصب فدك در حضور اصحاب پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم ايراد فرمودند، حضرت زينب عليها السلام روايت فرموده است.

و ابن عباس با آن جلالت قدر و علو مرتبه در حديث و علم، از آن حضرت روايت نموده و از آن حضرت به عقيله

تعبیر می‌کند. چنانچه ابوالفرج اصفهانی در مقاتل می‌نویسد: ابن عباس خطبه حضرت فاطمه سلام الله علیها را از حضرت زینب سلام الله علیها روایت کرده و می‌گوید: حدثتني عقيلتنا زينب بنت علي عليها السلام.. "دقت کنیم که حضرت زینب علیها السلام با اینکه دختری خردسال (یعنی هفت ساله و یا کمتر) بود، این خطبه عجیب و غریب که محتوی معارف اسلامی و فلسفه احکام و مطالب زیادی است را با يك مرتبه شنیدن حفظ کرده، و خود یکی از راویان این خطبه بلیغه و غریب می‌باشد.

فصاحت و بلاغت::

کلمات و فرمایشات گهربار آن حضرت در خطبه‌هایی که از آن حضرت روایت شده، خود قوی‌ترین دلیل بر کمال فصاحت و بلاغت آن بانوی بزرگوار می‌باشد. همان بانویی که امام سجاد علیها السلام در حق ایشان فرمودند: "أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرَ مُعَلَّمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرَ مُفَهَّمَةٍ" یعنی: "ای عمه! شما الحمد لله بانوی دانشمندی هستید که تعلیم ندیده، و بانوی فهمیده‌ای هستی که بشری تو را تفهیم ننموده است."

در اینجا مروری کوتاه به قسمتی از خطبه آن حضرت در مجلس یزید که یکی از بزرگترین حرکت‌های آن حضرت، در واقعه کربلا بود که دستگاه حکومت بنی امیه را به شدت لرزاند می‌کنیم: "به خدا قسم ای یزید، هر چه کردی بازگشت آن به سوی خودت خواهد بود، چرا که تو جز پوست خود نشکافتی و جز گوشت خود ندریدی.

ای یزید! در آن روزی که خداوند بدنهای پاک شهیدانمان را حاضر می‌کند تا حقوق خود را از ستمگر بستانند، تو بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خواهی شد، اما می‌دانی در چه حالی؟ در حالیکه خون عزیزان او را ریخته و حرمت ذریه او را از بین برده‌ای. آری ای یزید! از این پیروزی ظاهری که به دست آورده‌ای، غرق شادی مشو، و آن عزیزان را که در کربلا به خاک و خون کشیده‌ای، مغلوب و مرده مپندار. که خداوند می‌فرماید: (کسانی را که در راه خدا شهید شده‌اند مرده مپندارید. بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند). آل عمران:

169

و ای یزید! برای تو همین بس که حاکم در آن روز خداوند، و دشمن تو پیامبر خدا، و یاور و پشتیبان اهل بیت جبرئیل باشد. و به زودی کسی که این مقام را برای تو زینت داده و تو را بر گردن مسلمین سوار کرده است (یعنی معاویه)، خواهد دانست که چه جانشین بدی برای خود تعیین کرده و در روز جزا درخواهید یافت که بدترین مکان از آن کیست؟ و بدبختی و ضعف و زبونی شامل چه افرادی خواهد شد.

حضرت زینب (س) بزرگ بانوی جهان اسلام، بیدادگر و ادامه دهنده حادثه عاشورا و دارنده دانش‌های دو جهان و به گفته امام سجاد (ع): "دانی بدون آموزگار و فهمیده بدون فهماننده" بود. الگوی راستین وی، بانوی دو جهان، حضرت فاطمه (س) مادر وی بوده است. زینب (س) در دامان پرمهر و معنویت فاطمه (س) از سرچشمه معارف اسلامی و قرآنی سیراب گشت. رسالت راستین زینب هنگامی آغاز گردید که پس از به شهادت رسیدن امام حسین (ع) و هفتاد و دو تن از یارانش با ایراد سخنان آتشین به بیدارگری مردم کوفه و ستیز با ستمکاران و یزیدیان پرداخت.

پس از واقعه خونبار کربلا نقش ایشان روند تازه‌تری یافت. آن حضرت در این دوران ضمن حضور در کاروان اسرای

کربلا در برابر حکام جور قرار گرفتند و به افشاگری ظلم و ستم وارد بر آل طه از سوی خاندان امیه پرداختند. آن حضرت در این دوران سخت با حضور در کاخ برخی حکمرانان جور زمان مانند یزید و ابن زیاد، با تأکید برحقانیت طریق آل محمد بر سخنان و تبلیغات مسموم خاندان امیه درباره بنی هاشم خط بطلان کشیدند. صدیقه توانا، عقلیه دودمان وحی، تربیت شده خاندان نبوت، حضرت زینب کبری(س) است. همو که در بزرگواری و کرامتش بسیار سخن ها گفته و نوشته اند.

او نمودار حق و جهاد در راه خدا و نگهدارنده ایمان و عقیده، قهرمان دلیری و شجاعت، جلوه فصاحت و بلاغت، شعله ستیزه جوی باطل و آتش افشان حق در برابر نیروهای ستمگر و کوبنده دژخیمان زورگو است. زینب(س) تجسم زهد، ورع، علم، عفاف و شهامت و عقلیه طاهره، متعلق به اخلاق الهی است. این بزرگوار (س) راه مقاومت در برابر باطل را به امت نشان داد و فداکاری در راه خدا و چشم پوشی از همه چیز را در راه برافراشتن پرچم حق به همه یاد داد.

ایثار، فداکاری، وزانت عقل، صبر و بردباری، علم وسیع و دانش وافر، سخنان سنجیده و منطقی او در فرصت های حساس توأم با آن مظلومیت و ستم های جانکاهی که به او وارد آمده است، از او چهره یک شخصیت بی نظیر، رزم آور شجاع، جهادگر بی باک و سخنور توانا را در قلوب و اذهان ترسیم نموده است که تا چرخ زمان حرکت دارد، تا نسل ها در روی زمین حیات دارند و تا زمین دور خورشید می گردد این چراغ فروزان، نورافکن جهانیان و نسل های آینده خواهد بود.

کرامات

به غیر از انوار مقدسه چهارده معصوم علیهمالسلام، در میان خاندان رسالت و اهل بیت گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، افرادی هستند که در نزد خداوند متعال دارای رتبه و منزلت رفیع و والایی می باشند و توسل به ایشان، موجب گشایش مشکلات و معضلات امور دیگران است. مانند حضرت ابوالفضل علیه السلام که حتی در موارد زیادی مسیحیان به آن حضرت متوسل شده و به برکت توسل به آن حضرت مشکلاتشان حل گردیده و به حوائج و خواسته های خویش نائل گردیده اند.

حضرت زینب سلام الله علیها نیز بانویی بزرگوار از این دودمان پاک است که توسل به آن حضرت برای حل مشکلات بزرگ بسیار تجربه شده است و کرامات بسیاری از آن بانوی گرامی نقل شده است.

به عنوان مثال شبلنجی یکی از علمای اهل تسنن در نورالابصار می نویسد:

"شیخ عبدالرحمن اجهوری مقری در کتابش مشارق الانوار می گوید: در سال هزار و صد و هفتاد دچار مشکلی بسیار سختی شدم و به روضه (قبر مطهر و نوراین) حضرت زینب علیها السلام متوسل شدم و قصیده ای در مدح آن حضرت سرودم که مطلع آن چنین بود:

آلِ طاهَا لَکُمْ عَلَیْنَا الْوِلَاءُ لَا سِوَاکُمْ بِمَا لَکُمْ آلَاءُ

و خدا به برکت آن بانوی گرامی مشکل مرا حل کرد.

وفات آن حضرت:

حضرت زینب سلام الله علیها، شیرزن دشت کربلا سرانجام پس از عمری دفاع از طریق حق و ولایت و امامت در

15 رجب سال 63 هجری قمری در ضمن سفری که به همراه همسر گرامیشان عبدالله بن جعفر به شام رفته بودند، از دنیا رفتند و بدن مطهر آن بانوی بزرگوار در همانجا دفن گردید.
مزار ملکوتی آن حضرت (دمشق/سوریه)، اینک زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد.